

سخنرانی جناب دکتر علیرضا نوربخش پیر سلسله نعمت اللّهی

روز یکشنبه هفتم اردیبهشت سال هزار و سیصد و نود و نه

یا حق

۷ اردیبهشت ۱۳۹۹

در زمان‌های بحرانیست که ما تمایل به درون‌کاوی پیدا می‌کنیم و به دنبال یافتن معنای زندگی و هدف زیستن می‌رویم. انگار با دیدن درد و رنج پیرامون خود ناگهان به خود می‌آئیم و مجبور می‌شویم توجه خود را معطوف پرسش‌های حیاتی کنیم. سوالاتی مانند: هدف از وجود ما در این کره خاکی چیست؟ آیا حیات ما معنایی و برای زندگی روزمره دارد؟

در کشاکش بحران امروز و در بحبوحه رنج و درد انسان‌ها ما شاهد زیبایی و عشق هم هستیم. مادری که از راه دور با پسر خود خداحافظی می‌کند و ترجیح می‌دهد تنها بمیرد تا جان پسرش را در خطر بیاندازد. و یا عاشقی که با تمام وجود از معشوق بیمارش پرستاری می‌کند و ابتلای بیماری را به جان می‌خرد، شواهدی از زیبایی و عشق در رفتار و کردار انسان‌ها هست. نمونه‌هایی که در زندگی روزمره کمتر شاهد آن هستیم.

درک زیبایی معمولاً به عشق منتهی می‌شود. با دیدن زیبایی عشق در وجود ما فعال می‌شود. با مشاهده زیبایی در رفتار مادر، ما در عشق او به پسرش سهیم می‌شویم. بدین ترتیب زیبایی همیشه مقدمه عشق است. تجربه زیبایی در دنیا ما را به سوی منشاء زیبایی و در نهایت عشق الهی جذب می‌کند.

افلاطون چنین عقیده داشت که زیبایی این دنیا انعکاسی از زیبایی الهی است. این عقیده بعدها به وسیله مکاتب معنوی بسیاری، از جمله تصوف، پذیرفته شد.

برای صوفیان تجربه زیبایی ما را به یاد وطن اصلی یا کوی دوست می‌اندازد و در داستان‌های صوفیانه بسیاری سالک تازه وارد با دیدن زیبایی سیرت راهنمای معنوی، عاشق او می‌شود و از این راه دروازه عشق الهی بر روی او گشوده می‌شود.

سوال این است: چگونه می‌توانیم به پیشواز تجربه زیبایی و عشق برویم؟ چه طور ممکن است که در جایی که بیشتر آدم‌ها تنها رنج و بلا می‌بینند، دیگران می‌توانند در بحبوحه مصیبت شاهد زیبایی باشند؟

البته دیدن زشتی دنیا آسان‌تر است، به خصوص در حال حاضر. تنها کافیست که به تیترا اخبار روز نگاهی بیندازیم: بیماری و مرگ ناشی از ویروس کرونا، اختلاف و کشمکش میان سیاستمداران، بدبختی و بیچارگی پناهندگان، فقر رو به افزایش کشورهای جهان سوم، اثرات ویران‌کننده تغییرات آب و هوایی، این‌ها همه نمونه‌هایی از زشتی‌های این کره خاکیست.

اما در عین حال باید به خود یادآوری کنیم که برای سلامت روحی و معنوی ما لازم است که بتوانیم زیبایی و عشق را هم در این دنیا تجربه کنیم.

اولین قدم در دیدن زیبایی در این دنیا بستن دیده‌ی خوددوستی و خودپرستی در ارتباطمان با دیگران و محیط پیرامون ماست. تا زمانی که به دنبال منفعت شخصی می‌گردیم و آدم‌ها و طبیعت اطرافمان را وسیله‌ای برای رسیدن به منافع و مقاصد خود و ارضای خواسته‌های خود می‌بینیم، نمی‌توانیم آن‌چنان که باید و شاید زیبایی را در پیرامون خود احساس کنیم.

در مرحله اول می‌توانیم از زیبایی‌های آشکار و قابل دسترس آغاز کنیم. می‌توانیم از یک شاخه گل، یک طاووس، یک قطعه موسیقی، یک نقاشی و یا یک شعر لذت ببریم، بدون آنکه به استفاده و فایده شخصی آن فکر کنیم.

مثلاً یک شاخه گل را صرفاً به‌عنوان یک نمونه از زیبایی در نظر می‌گیریم و نه به‌عنوان وسیله‌ای برای جلب توجه دیگری و یا منبع غذایی برای تولید عسل. وقتی که بتوانیم زیبایی را تنها و بدون در نظر گرفتن منفعت شخصی درک کنیم، می‌توانیم کم‌کم متوجه زیبایی در آدم‌های دور و بر خود شویم، بدون آنکه آنها را در ارتباط خود و منفعت شخصی در نظر بگیریم.

این مسئله همین‌طور در قلمرو معنوی مصداق پیدا می‌کند. برای تجربه زیبایی معنوی و عشق الهی نباید در صدد معامله با خدا باشیم. یا در این فکر باشیم که با انجام تمرین‌های خاصی خود به خود به رشد معنوی می‌رسیم و پاداشی در انتظار ماست. باور ما نباید در گرو این باشد که گناهان مان بخشوده شود و یا حتی انسان بهتری شویم.

برای درک زیبایی نباید هیچ توقع و انتظاری از روبرو شدن با قلمرو معنوی داشته باشیم که از جنس خودپرستی و خوددوستی باشد. در واقع باید خود را از صورت مسئله پاک کنیم. تنها از این طریق است که می‌توانیم حتی در میان بزرگ‌ترین مصیبت‌ها زیبایی و عشق را درک کنیم.

ظرفیت دوست داشتن بسیار با ارزش است و از آنجا که در توان فرشتگان نبود، این ظرفیت به ما اهدا شده است.

به قول حافظ:

عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد
عین آتش شد از این غیرت و بر آدم زد

در ازل، پرتو حُسنَت ز تجلی دَم زد
جلوه‌ای کرد رُخَت دید مَلک عشق نداشت

یا حق